

یهوه

مرا

دوست دارد

نویسنده کیت مور



# یهوه مرا دوست دارد

نویسنده کیت مور

یهوه مرا دوست دارد

حق چاپ 2018 کیت مور  
تجدید چاپ 2020، 2022

شابک: 4-01-940403-1-978

BK25FA

Moore Life Ministries

6009 بلوار بیزنس

ساراسوتا، فلوریدا 34240

941-702-7390

[www.moorelife.org](http://www.moorelife.org)

مهه نقل قول‌های کتاب مقدس در این کتاب از نسخه انگلیسی رایج کتاب مقدس است، مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد.

## یهوه مرا دوست دارد

غلاطیان ۵:۶ می گوید: "خنته شدن یا خنته نشدن برای عیسی مسیح مهم نیست، اما ایمانی که از راه عشق اثر می گذارد مهم است." این چیزهای ظاهری - تشریفات یا اعمال ظاهری - نیستند که ارزش دارند. این ایمان است که ارزش دارد. این آیه می گوید: «ایمان از راه عشق اثر می گذارد» یا همانطور که کتاب مقدس میسوط می گوید، «ایمان از راه عشق فعال می شود». ترجمه دیگری می گوید: "ایمانی که از راه عشق عمل می کند." ایمان از راه عشق اثر می گذارد. از راه عشق عمل می کند و فعال می شود. آیا بین ایمان و عشق ارتباطی وجود دارد؟ اگر عشق عمل نکند، آیا بر ایمان تأثیر می گذارد؟ بله، خواهد شد. بنابراین وقتی به ایمان فکر می کنیم باید به عشق فکر کنیم، زیرا ایمان با عشق کار می کند.

اگر عشق آنطور که باید وجود نداشته باشد، ایمان آنطور که باید عمل کند، عمل نخواهد کرد.

فصل ۴ یوحنا ۱۷:۱ متن فوق العاده در مورد عشق است. آیات ۷ تا ۹ می گوید: «دوستان عزیز، بیایید یکدیگر را دوست بداریم، زیرا عشق از جانب خداست و هر که مهر بورزد از یهوه زاده شده و یهوه را می شناسد. کسی که عشق نمی ورزد یهوه را نمی شناسد، زیرا یهوه عشق است. اینگونه است که محبت یهوه بر ما آشکار می شود: یهوه پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا ما به وسیله او زندگی کنیم. جلوه ای از عشق به یهوه وجود داشت - و دارد. آیه ۱۰ ادامه می دهد: «این عشق است: این نیست که ما یهوه را دوست داشتیم، بلکه او ما را دوست داشت و پسرش را به عنوان جانفشان برای رسیدگی به گناهان ما فرستاد. دوستان عزیز، اگر یهوه ما را اینطور دوست داشت، ما هم باید همدیگر را دوست داشته باشیم.»

اول یوحنا ۴:۱۷ می گوید: «اینگونه محبت در ما کامل شده است تا بتوانیم در روز قیامت اطمینان داشته باشیم، زیرا ما در این جهان دقیقاً همانی هستیم که یهوه هست. آیا بین عشق و جسارت ارتباطی وجود دارد؟ آیا اعتماد به نفس و جسارت با ایمان مرتبط است؟ بله، و همه آنها با عشق مرتبط هستند. او در آیه ۱۸ آن را بیشتر توضیح می دهد. "هیچ ترسی در عشق وجود ندارد..." بدون ترس. اگر هیچ ترسی نداشته باشید و فقط اعتماد به نفس و جسارت، آیا ایمان دارید؟ بله، و این نتیجه عشق است. او در ادامه می گوید: «بی کاستی» یا کامل، «عشق ترس را بین می راند». این کلمه بیرون راندن کلمه نیرومندی است. این به معنای "بیرون راندن بدون توجه به جایی است که فرود می آید" و این همان کاری است که عشق برای ترس انجام می دهد. عشق ترس را از اینجا بیرون می راند. این را دوست دارم. "عشق کامل ترس را از بین می برد، زیرا ترس در انتظار عذاب است." ترس عذاب آور است. هنگامی که می ترسید قبض هایتان پرداخت نشود، ترس در حین تلاش برای کار، یا زمانی که می خواهید کارهایی را در خانه انجام دهید، ذهن شما را فرسوده می کند. و ترس بر روابط شما تأثیر می گذارد.

بسیاری از مردم به دلیل فشار مالی تحت فشار و استرس هستند و این فقط ترس از موفق نشدن است. این ترس از آنجا است که پول به موقع در دسترس نباشد، یا اینکه آنها به اندازه کافی پول نداشته باشند. یا ممکن است در مورد بدن خود ترس داشته باشند - اینکه قرار نیست بهبود یابد یا قرار است بدتر شود. این ترس از این است که در اواسط عمر بمیرند یا اینکه نا بهنگام بمیرند.

اگر تسلیم آن شوید، این ترس در تمام ساعات بیداری با شما همراه است. نیمه شب شما را بیدار می کند. عذاب آور است و از جانب یهوه نیست. یهوه به ما روحیه ترس نداد.

چه چیزی از ترس را دور می کند؟ عشق کامل. عشق تام و تمام آن را بیرون خواهد راند. آن را بیرون می راند و بیرون می اندازد تا فقط جسارت داشته باشید. من صدای آن را دوست دارم، نه؟ عشق به یهوه و ایمان یهوه از هم جدا نیستند. آنها در عمل جدایی ناپذیر هستند.

پولس در دوم تیموتائوس 1:12 گفت: «... من کسی را که به او اعتماد کرده ام می شناسم. من متقاعد شده ام که یهوه به اندازه ای قدرتمند است که از آنچه تا آن روز به من امانت داده است محافظت کند.» من می دانم که به چه کسی ایمان آورده ام. ایمان صرفاً پایبندی ذهنی به اصول یا یک مناسک قانونی یا روال نیست. ایمان شناخت کسی است که سخنان را بیان کرده است. من او را می شناسم. من همه چیزهایی را که باید درباره او بدانم نمی دانم، اما او را می شناسم و او نیز مرا می شناسد. من آنقدر او را می شناسم که بدانم اگر او چیزی را گفت، می توانم به آن تکیه کنیم و می توانیم ساختمان را بر روی آن بر پا کنیم. ما می توانیم به آن تکیه کنیم. شناخت او یعنی شناخت عشق، زیرا یهوه عشق است.

بسیاری از مواقع زمانی که مردم عبارت «عشق کامل ترس را از بین می راند» یا «ایمان از راه عشق عمل می کند» را می شنوند، فکر می کنند منظورشان اعمال عاشقانه است - که اگر عاشقانه رفتار کنند، ایمانشان کارساز خواهد بود. این قطعاً یک حقیقت است، و بخشی از آن است، اما او فقط این را نگفت و آن را به این امر محدود نکرد. او گفت که ایمان در تمامیت خود از راه عشق عمل می کند. بنابراین این آیات را به عشق به دیگران و اینکه چگونه بر ایمان شما تأثیر می گذارد محدود نکنید. مطمئناً اینطور است، اما قبل از هر چیز، باید بدانید که یهوه چقدر شما را دوست دارد.

محبت یهوه به شما، عشق شما به خدا، عشق شما به خود و عشق شما به همنوع، همه با هم در عمل ایمان مؤثرند. چیزی که همچنان ایمان من را تسریع می بخشد، مکاشفه بزرگتری است در مورد اینکه چقدر او مرا دوست دارد. وقتی می بینم که او واقعاً چقدر به من اهمیت می دهد، ایمانم ظاهر می شود و می دانم که موفق می شوم - نه به این دلیل که من خارق العاده هستم، بلکه به این دلیل که او مرا دوست دارد. من یک شخص بزرگ را در کنار خود دارم.

سال ها پیش، من یک دوبرمن داشتم، یک نمونه بزرگ و خوب از یک دوبرمن. فکر کنم حدود 110 پوند بود. دوبرمنی که مایل نیستید در شب با آن روبرو شوید. او یک سگ بزرگ و ترسناک بود، و او سگ من بود، بنابراین من مشکلی نداشتم. اما غریبه ها مشکل داشتند. این سگ همیشه با من بود. او سوار کامیون من شد، فریبی من را می گرفت و از وسایلم محافظت می کرد. اما اگر غریبه ای می آمد، باید مواظب او می بودم، وگرنه آنها را می گرفت - و به آنها هم هشدار می داد. او فقط پشت سر آنها می آمد، و بعدش را می دانید، آنها را گرفته بود.

یک روز چند فروشنده نزدیک شدند. من نمی دانستم، اما آنها ماشین را متوقف کرده بودند. سگ پشت ماشین را دور زد و به آرامی پشت سرشان رفت. آنها پنجره ها را باز کردند و او سرش را داخل کرد، به آنها نگاه کرد و غرش کرد. فکر می کردم قرار بود در آن ماشین سانروف درست کنند! رفتند و دیگر برنگشتند.

بار دیگر یکی از دوستان از راه رسید و پسر بچه اش را آورد. حدس می زدم پسر حدوداً دو سه ساله بود. آنها از ماشین پیاده شدند و سگ من آنجا بود. خب این کودک ترسیده بود بدیهی بود! سگ بسیار ترسناک به نظر می رسید - و واقعاً اینطور بود. اما باباش پسر بچه مرد درستی بود و پسر بچه به پشت سر باباش دوید و انگار از پشت یکی از پاهایش نگاه می کرد.

من با سگ صحبت کردم، سپس به آنها گفتم که مشکلی نخواهند داشت. دوستم به اطراف پسرک چرخید و او را گرفت و گفت: «پسرم، نگران نباش. نمی گذارم تو را اذیت کند. او خوب است. زود باش بیا بیرون.» بنابراین پسر بچه درست در جلوی او بیرون آمد. حالا به اندازه کافی نزدیک بود تا بتواند پدرش را لمس کند، اما به یکباره جسارت پیدا کرد. دیدم که ترسش از بین رفت، و او آمد، دستش را بلند کرد و روی بینی آن سگ را لمس کرد - اما او یک دستش را در جایی نگه داشت که بتواند بابا را لمس کند. چرا ترسش از بین رفت؟ چون بابای بزرگش با او صحبت کرده بود و گفته بود: "مشکلی نیست، پسرم."

حالا این چیزی است که می خواهم بدانید: پدرش به او نگفت: «پسرم، من به تو قول می دهم: نمی گذارم این سگ بزرگ و بد تو را اذیت کند.» او هیچ کدام از اینها را نگفت. او فقط گفت: «بیا بیرون،» و این پسر بچه می دانست که پدرش او را دوست دارد، بنابراین مجبور نبود هیچ کدام از اینها را بگوید. او می دانست که قرار است مراقب او باشد، از او محافظت کند و از او نگهداری کند، زیرا می دانست که او را دوست دارد.

وقتی می دانید که یهوه شما را دوست دارد، بسیاری از سوالات شما بر طرف می شود. این امر ناامیدی و تزلزل شما را از بین خواهد برد. وقتی مردم می پرسند "آیا یهوه مرا شفا می دهد؟" آنها نمی دانند که او چقدر آنها را دوست دارد، وگرنه این سوال را نمی پرسیدند. «آیا یهوه به من کمک خواهد کرد تا قبض هایم را پرداخت کنم؟ آیا یهوه به من کمک می کند که درگیر شوم؟ من عقبم. آیا یهوه به من کمک می کند که از بدهی خلاص شوم؟ نمی دانم، آیا فکر می کنی این خواست اوست؟» پرسیدن آن بدان معناست که واقعاً او را نمی شناسید. من نگفتم که نجات پیدا نکردی، اما او را واقعاً نمی شناسی، زیرا اگر می دانستی چقدر او تو را دوست دارد، حتی این را هم نمی پرسیدی.

فقط ایمان داشتن به توانایی او کافی نیست. آیا جذامی را در کتاب مرقس 1:40 به یاد دارید؟ او به خداوند گفت: "اگر بخواهی، می دانم که می توانی مرا پاک کنی." او متقاعد شده بود که خداوند می تواند این کار را انجام دهد، اما نمی دانست که آیا این کار را می کند. این چیزی است که بسیاری از مسیحیان به آن باور دارند. آنها معتقدند که یهوه قدرت شفا یا توانایی برآوردن نیازهای آنها را دارد، اما متقاعد نشده اند که او این کار را برای آنها انجام خواهد داد. تفاوتی نمی کند که یک فرد چقدر توانایی یا منابع دارد. اگر متقاعد نشده باشید که آنها از این ها برای شما استفاده خواهند کرد، نمی توانید ایمان داشته باشید که آن ها را دریافت می کنید.

اما وقتی می دانید که خداوند چقدر شما را دوست دارد، می دانید که چرا از توانایی خود استفاده می کند و چرا ما را آفریده است. میخا 7:18 می گوید: «او از عشق وفادار لذت می برد. او می خواهد این کار را انجام دهد. او از انجام آن لذت می برد. این چیز از جنس اوست. ممکن است بپرسید "منظور شما از آن چیست؟" خب، یهوه دوست دارد چه کار کند؟ شما کارهایی دارید که دوست دارید انجام دهید، اما یهوه دوست دارد چه کاری انجام دهد؟ او از نشان دادن رحمت لذت می برد - این چیزی است که او از آن لذت می برد. این باعث می شود که یهوه بگوید، او، بله! من از این لذت می برم! وقتی کسی او را باور می کند، یا وقتی کسی فرصت می دهد و به او اجازه می دهد تا کاری را که می تواند انجام دهد برای آنها انجام دهد. چشمان او در سراسر زمین به این سو و آن سو می نگرند - و یهوه ابزار بررسی خوبی دارد. او زمین را بررسی می کند و به دنبال کسی می گردد که از صمیم قلب به او گرایش داشته باشد. او به دنبال کسی است که ایمان داشته باشد، بنابراین می تواند خود را از طرف آنها قوی نشان دهد و برخی کارها را برای آنها انجام دهد - برخی کارها در "اندازه خدا". (۲ کتاب تواریخ ۹:۱۶) هنگامی که او می تواند این کار را انجام دهد، می گوید: «او، بله! این را دوست دارم." او از آن لذت می برد.

شیطان در مورد یهوه به کلیسا و جهان دروغ گفته است. بسیاری از کلیسا القا کرده اند که یهوه واقعاً با بشریت در ارتباط نیست. او آن را خلق کرد و به آن را به حرکت در آورد، و او در جایی قرار گرفته و فقط به نوعی آن را تماشا می کند، می داند که ما به اشتباه میفهمیم، و فقط منتظر می ماند تا این اتفاق رخ دهد و قضاوت کند. بسیاری در جهان این تصور از یهوه را به دلیل گفته های کلیسا دارند.

اما یهوه ما را دوست دارد. او واقعاً ما را دوست دارد. او به ما اهمیت می دهد. او چیزهایی مانند تعداد موهای سر ما را زیر نظر دارد. (متی 10:30) من تعداد موهای سرم را نمی شمارم، آیا شما می شمارید؟ من هم از تعداد موهای سر عزیزانم اطلاعی ندارم، شما چطور؟ اما او اطلاع دارد.

برخی از مردم در افکار خود سرگشته هستند و می گویند: "من نمی دانم که آیا یهوه به این موضوع اهمیت می دهد." حتی افرادی که در قید ایمان هستند او را زیر سوال می برند. وقتی اوضاع پیش می رود و آن طور که آنها می خواهند یا فکر می کنند تغییر نمی کنند یا اتفاق نمی افتد، اهریمن روی شانتهایشان می نشیند و می گوید: «یهوه واقعاً توجهی ندارد. اگر او واقعاً اهمیت می داد، برای این موضوع کاری انجام می داد. اگر او واقعاً اهمیت می داد، این ماجرا این اندازه طولانی نمی شد. این جور نمی شد.» اصلاً و ابداً به چنین ایده هایی باور نداشته باشد! اینها دروغ است!

یهوه به شما اهمیت می دهد و اگر تمام صحنه را می دیدید، می دیدید که او بیشتر از آنچه شما از او می خواستید به شما مهربان بوده است. خیلی وقت ها شما کل تصویر را نمی بینید. او دعای شما را شنیده است. او ایمان شما را ارج می نهد. او کارهایی را برای شما انجام می دهد. او کارهایی را برای شما انجام داده است. او برنامه خوبی برای شما دارد. و اگر فقط با او بمانید، در جایگاه خوبی قرار خواهید گرفت.

اما شیطان این را می داند، بنابراین می خواهد معاشرت شما را مختل کند و مانع شود. حتی اگر چیزها را با صدای بلند زیر سوال نبرید، او می خواهد این سوالات شما را در پس ذهنتان آزار دهد: «چرا یهوه این کار را کرده است؟ چرا این اجازه را داد؟ چرا او اجازه داد این اتفاق بیفتد؟ چرا او قبلاً این کار را نکرده است؟ من اصلاً نمی فهمم.» اشکالی ندارد که سوال داشته باشید، اما اشکال دارد که عشق او را زیر سوال ببرید. و اشکالی دارد که وفاداری او را زیر سوال ببریم.

زمانی را به یاد بیاورید که حواریون در قایق بودند و عیسی در عقب روی بالش خوابیده بود. طوفان شد. خشمگین شد. سرانجام حواریون نزد عیسی رفتند، او را تکان دادند و گفتند: «عیسی! عیسی، برخیز! برایت مهم نیست که ما داریم می

میریم؟ آیا برای شما مهم نیست که ما در اینجا در حال نابودی هستیم؟» او بلند شد و اوضاع را کنترل کرد، اما او به آنها نگاه کرد و گفت: «چرا اینقدر ترسیدید؟ چگونه است که ایمان ندارید؟» (مرقس 4:37-40) آیا می‌توانید به این سؤال پاسخ دهید؟ چرا آنها اینقدر لبریز از ترس بودند؟ چرا ایمان نداشتند؟ عشق او را زیر سؤال می‌بردند. آنها در عشق کامل نشدند و می‌پرسیدند: «خدایا، آیا تو اهمیتی نمی‌دهی؟ عیسی! میخوای آنجا دراز بکشی و بخوابی در حالی که همه ما داریم غرق میشیم؟ برایت مهم نیست؟» این توهین به خداست.

همیشه در کنار یهوه باشید. وقتی چیزهایی را نمی‌دانی، و وقتی نمی‌فهمی چرا یا چرا نه، حتی در میان اشک‌ها و پرسش‌هایت، به یهوه نگاه کن و بگو: «خداوندا، من آن را نمی‌فهمم، اما این را می‌دانم: تو به من وفادار هستی. تو مرا دوست داشته‌ای و مرا دوست خواهی داشت و هرگز مرا ناامید نخواهی کرد. مواظب تو هستم. من به تو اعتماد دارم. من به تو تکیه می‌کنم.» او شما را دوست دارد.

من به شما می‌گویم، هر چه بیشتر این را بفهمید، ایمان شما رفته رفته افزایش می‌یابد. چیز دیگری که متوجه خواهید شد، همان چیزی است که از آن فرار کرده‌اید، همان چیزی است که درست در جلوی پدر در مسیر آن حرکت خواهید کرد و پوزه اش را لمس می‌کنید. با آن روبرو خواهید شد. با آن مقابله خواهید کرد. بر آن غلبه خواهید کرد. اما همیشه یک دست خود را به پدر نگه دارید. شما می‌دانید که او همان جاست. شما می‌دانید که او از شما حمایت می‌کند. یهوه تو را دوست دارد.

این کافی نیست که بدانیم او می‌تواند کاری انجام دهد. شما باید متقاعد شوید که او از توانایی و منابع خود برای شما استفاده خواهد کرد. لازم نیست وارد یک سلسله اعترافات قانونی شوید، و در جریان هر حرکتی بترسید که اگر این کار را چندین بار در روز انجام ندهید، به جهنم محکوم هستید و این کار نتیجه‌ای نخواهد داشت. نه! اگر به همه جزئیات توجه نکنید، چه؟ او هنوز تو را دوست دارد. او از قلب شما خیر دارد. اگر در نوری که دارید راه می‌روید و بهترین کاری را که می‌دانید انجام می‌دهید، حتی اگر به اندازه کافی ندانید، او مقداری بیشتری را به شما نشان می‌دهد. اگر اشتباه کنید، او شما را اصلاح می‌کند.

من متقاعد شده‌ام که کیت مور قرار است موفق شود، و شما باید متقاعد شوید که قرار است موفق شوید! من متقاعد شده‌ام که تمام مسیر خود را دنبال می‌کنم. من تمام دوره ام را با شادمانی تمام می‌کنم. من از خط پایان عبور می‌کنم و از روبرو عبور می‌کنم. می‌دانی چرا؟ چون یهوه مرا دوست دارد.

این ادعای یوحنا رسول برای شهرت بود. آیا به یاد دارید زمانی که یهوه از او برای نوشتن انجیل یوحنا استفاده کرد؟ او به جای اینکه خود را «یوحنا» یا «یوحنا، رسول» معرفی کند، از خود به عنوان «حواری که خداوند او را دوست داشت» یاد کرد. راجع به چه کسی صحبت می‌کنیم؟ یوحنا. حواری که سر بر سینه عیسی گذاشت چه کسی بود؟ او حواری بود که خداوند او را دوست داشت. او به جای گفتن "یوحنا" نام خود را تغییر داد.

اسم شما چیست؟ شما نیز می‌توانید بگویید: "من حواری هستم که خداوند او را دوست دارد."

اگر همین الان آن را ادعا کنید، بسیار برای شما مفید خواهد بود. شما چه کسی هستید؟ من کسی هستم که او مرا دوست دارد. ما نمی‌گوییم که او هیچ کس دیگری را دوست ندارد. من نمی‌توانم کسی باشم که باور کنم او تو را به خاطر تو دوست دارد. من نمی‌توانم کسی باشم که باور کنم او تو را به خاطر تو دوست دارد. بگو: "او مرا دوست دارد." فقط برو و این را بگو. "او مرا دوست دارد. یهوه واقعا مرا دوست دارد. او مرا دوست دارد. او امروز صبح به من فکر می‌کند. او امروز صبح دارد برای من برنامه ریزی می‌کند. او برای من نقشه ای دارد.»

دلیل اینکه من متقاعد شده‌ام که موفق خواهم شد این است که او مرا دوست دارد. اگر چیزی نیاز داشته باشم، او به من می‌گوید. اگر متوجه نشدم، دوباره به من می‌گوید. اگر سه ماه نگیرم، برای بار نود و سوم به من می‌گوید. اگر او نیاز داشته باشد، صدا را افزایش می‌دهد. اگر نیاز داشته باشد، چهار نفر را با من می‌فرستد و می‌گوید: کیت... اجازه بده اینجا برایت یک عکس بکنم... من باور دارم که او این کار را برای من انجام خواهد داد. من در مورد تلاش نکردن صحبت نمی‌کنم. من فقط در مورد اینکه آید به آن نیاز دارم صحبت می‌کنم. اگر انگشت پایم را به جایی بزنم و بیفتم، معتقدم او مرا بلند خواهد کرد. اگر به سمت اشتباه بروم، او مرا می‌گیرد و می‌گوید، کیت، آن‌طور نه. به این شکل. او به من کمک خواهد کرد.



او به من یاد خواهد داد. او مرا اصلاح خواهد کرد. او مرا راهنمایی خواهد کرد. او این کار را انجام خواهد داد زیرا او مرا دوست دارد.

اگر واقعاً به این باور دارید، چگونه می‌توانید بگویید: "فکر نمی‌کنم او مرا شفا دهد؟" که امر متناقض است. "اوه، او مرا دوست دارد، اما من فکر نمی‌کنم او به من کمک کند تا قبض‌هایم را بپردازم." این نمی‌تواند کارساز باشد، می‌تواند؟ اگر او مرا دوست داشته باشد، او به من کمک خواهد کرد - و او قبلاً به من کمک کرده است.

یهوه ما را دوست دارد. من می‌خواهم دلایلی برای شما بیاورم که چرا می‌دانیم یهوه ما را دوست دارد - و این ترتیب هیچ اهمیت خاصی ندارد.

دلیل شماره 1: ما می‌دانیم که یهوه ما را دوست دارد زیرا کتاب مقدس به ما می‌گوید.

اجازه دهید واقعاً آهسته به آن بپردازم: عیسی من را دوست دارد، این طور فکر می‌کنم؟ نه! این را من می‌دانم. چرا؟ برای کتاب مقدس - ما در مورد کتاب دیگری صحبت نمی‌کنیم - کتاب مقدس این را به من می‌گوید.

ارمیا 31:3 می‌گوید: «خداوند از دور بر آنها ظاهر شد: من شما را با عشقی که جاودانه است دوست داشتم. و از این رو با عشقی بی‌پایان تو را به سوی خود کشانده‌ام.» می‌پرسی: «پروردگارا، تو ما را دوست داری؟» او می‌گوید: «بله، من تو را با عشقی همیشگی دوست داشته‌ام. به همین دلیل تو را با مهربانی ترسیم کردم.»

چند سال پیش روی زمین دعا می‌کردم و فکر می‌کردم و خداوند چیزهایی را به یاد من آورد. او به من نشان داد که چه کاری برای من انجام داده است. می‌دانید، در یوحنا 15:16، او گفت: «شما مرا انتخاب نکردید، بلکه من شما را انتخاب کردم و تعیین کردم تا بروید و میوه بدهید و میوه شما ماندگار شود. در نتیجه، هر چه از پدر به نام من بخواهید، او به شما خواهد داد.» او اینها را گفت تا شادی ما کامل شود (آیه 11). گفت: من تو را انتخاب کردم. و بنابراین من فکر می‌کردم، "من به ندای محراب پاسخ دادم." او گفت: "کیت، من سال‌ها روی تو کار کردم تا تو را به جایی برسانم که بتوانی بشنوی و پاسخ بدهی." خوب، او چنین کرد.

گفتم، «ما به مرکز آموزش کتاب مقدس RHEMA رفتیم» و خداوند گفت: «کیت، سال‌ها روی تو کار می‌کردم تا ایمانت را به جایی برسانم که بتوانی باور کنی که می‌توانم از تو حمایت کنم.» و فیض را افزود و نیرو را افزود و ما را شیر داد و ما را بر بال‌های عقاب برد.

چند بار فکر کرده‌ایم که «ایمان مناسبی داریم» و بهترین کاری را که می‌دانیم انجام می‌دهیم، اما اگر کل تصویر را دیده بودیم، می‌دانستیم که او ما را به جلو می‌برد؟ گفت: "آری، من تو را دوست داشتم."

در انجیل یوحنا و همچنین در نامه یکم یوحنا در این مورد بسیار زیاد گفته شده است. عیسی در یوحنا 16:27 گفت و ما می‌دانیم که آنچه او گفت درست و حقیقی است. او گفت: "پدر خودش تو را دوست دارد، زیرا تو مرا دوست داشته‌ای و ایمان آورده‌ای که من از جانب یهوه آمده‌ام."

در یوحنا 17، عیسی در حال دعا است. آیا باور دارید که او دعاهایش را مستجاب می‌کند؟ در یوحنا 17:23، عیسی گفت: "من در آنها عجیب هستم و شما در من عجیب هستید تا آنکه کاملاً یکی شوید. آن وقت جهان خواهد دانست که تو مرا فرستادی و همانطور که مرا دوست داشتی آنها را دوست داشته‌ای." آیا متوجه آن هستید؟ عیسی گفت: «... تا جهان بداند که تو مرا فرستاده‌ای، و جهان بداند که تو همانطور که مرا دوست داشتی آنها را دوست داشته‌ای.» آیا شما معتقدید که پدر عیسی را دوست داشت - و دوست دارد؟ منظورم این است که هر روز صدای یهوه را از آسمان نمی‌شنوید که بگوید: "این پسر محبوب من است که از او خشنود هستم." (متی 3:17) اما در اینجا او به ما می‌گوید که اکنون، در وجود او، همانطور که او را دوست دارد ما را دوست می‌دارد. سعی نکنید آن را کشف کنید - فقط با ایمان آن را باور کنید.

این را با صدای بلند بگویید: "او مرا دوست دارد همانطور که عیسی را دوست دارد."

او می خواهد که جهان این را بداند. او می خواهد که دنیا بداند که او شما را دوست دارد و من را نیز مانند عیسی دوست دارد.

نامه یکم یوحنا 3:1 می گوید: "ببینید که پدر چه نوع عشقی به ما عطا کرده است که ما فرزندان یهوه خوانده شویم..." حالا این عشق است. من پسر یهوه هستم. تو پسر یهوه هستی. زن و مرد، همه ما پسران یهوه هستیم.

او در کتاب مکاشفات 3:9 گفت: "به این دلیل من مردم را از کنیسه شیطان (که می گویند یهودی هستند و واقعاً نیستند، اما دروغ می گویند) خواهم ساخت - آنها را وادار خواهم کرد که بیایند و در مقابل پاهای تو تعظیم کنند و بدانند که من تو را دوست داشته ام. بله، ممکن است اکنون مورد انتقاد قرار بگیریم، و ممکن است مورد تمسخر و پیگرد قرار بگیریم و ما را «ناتوان» بخوانند. ممکن است به ما «ضعیف» و «نادان» بگویند، اما قبل از اینکه این موضوع تمام شود، دشمنان ما به پا میفتند و او به همه نشان می دهد که ما را دوست دارد. او ما را انتخاب کرد.

این ادعای شهرت ما خواهد بود. "شما چه کسی هستید؟" من کسی هستم که او دوست دارد. در مورد مردمی که اینقدر گردن فراز و مغرور بودند، آنقدر پرنخوت و سرسخت بودند، که عصیان کردند و در مورد کلیسای او اینقدر کفرآمیز صحبت کردند، او آنها را می آورد و بینی آنها را درست به سمت کفش های شما پایین می آورد و می گوید: "اکنون اینجا را می بینید: من آنها را دوست دارم." سپس می خواهیم بگوییم: «بله، او مرا دوست دارد. به تو گفتم!»

ما مجبور نیستیم از خود دفاع کنیم یا خودمان را توجیه کنیم. ما مجبور نیستیم دیگران را متقاعد کنیم که او ما را دوست دارد. او خودش آن را نشان خواهد داد. او این کار را در اینجا و اکنون با حمایت خود، با محبت و برکت خود انجام می دهد. هر چه به یهوه نزدیک تر شوید، او بیشتر می تواند عشق خود را در زندگی شما آشکار کند، تا زمانی که برای افرادی که شما را می بینند بیشتر و بیشتر آشکار شود که یهوه شما را دوست دارد. او می خواهد نشان دهد که آنها را دوست دارد، اگر آنها فقط به او اجازه دهند. او از برکت دادن ما لذت می برد. چگونه بفهمیم یهوه ما را دوست دارد؟ او به ما گفت که ما را دوست دارد.

دلیل شماره 2: عشق خداوند به ما از زمان خلقت جهان مشهود است.

او ما را شبیه و هم چهره خود آفرید. کتاب مقدس به ما می گوید: «از زمان خلقت جهان، ویژگی های نامرئی یهوه - قدرت ابدی و ماهیت الهی - به وضوح دیده شده است، زیرا آنها از طریق چیزهایی که یهوه ساخته است درک می شوند.» (رومیان 1:20) در کتاب پیدایش 1:31، می گوید، یهوه هر چه ساخته بود دید؛ بسیار خوب بود.» و خیلی خوب است!

دانشمندان، محققین و فیلسوفانی سرگشته و نایبنا وجود دارند که با تمام وجود تلاش می کنند تا جوانان، کودکان و بزرگسالان جوان ما را متقاعد کنند که ما واقعاً بسیار ناچیز هستیم - که زمین آنقدرها هم در جهان اهمیتی ندارد. آنها می گویند که ما انسان ها فقط حیوانات بسیار تکامل یافته ای هستیم، نه خیلی خاص تر از یک میمون، و اینکه زمین از هیچ سیاره دیگری خاص تر نیست. بسیار کهکشان وجود دارد و ما چندان مهم نیستیم.

همه چیز فراهم است برای این که باعث شود احساس کنیم که بی اهمیت هستیم. فکر می کنید این امر از کجا آمده است؟ این شیطان است. من به شما می گویم که شیطان به ما حسادت می کند. او در پیشگاه یهوه بود. او می داند که در آن عشق و در آن حضور چگونه است، اما به خاطر تکبر و عصیان آن را از دست داده است - و نمی تواند آن را پس بگیرد. اکنون من و تو آرزوی اصلی او هستیم که مقدر شده است تا ابد در عشق او باشیم و شیطان نمی تواند آن را تحمل کند.

مردم در این مورد به ما می خندند، اما اجازه دهید به شما بگویم، و من بدون عذرخواهی می گویم - ما آرزوی اصلی او هستیم. دلیل وجود تمام آن سیارات این است که زمین می تواند وجود داشته باشد. دلیل اینکه زمین اینجاست این است که ما بتوانیم اینجا باشیم. او آن را برای ما ساخته است. به همین دلیل خورشید وجود دارد. به همین دلیل ماه وجود دارد. به همین دلیل است که سیاره های دیگر وجود دارد. آنها برای ما هستند.

دانشمندان خواهند گفت: «چه تکبری. چه جهالتی.» نه، آنها نادان هستند. دلیل اینکه خورشید امروز صبح می تابد برای شماست! دلیل اینکه دنیا می چرخد به خاطر شماست! دلیل اینکه اقیانوس از شن ها عبور می کند برای شماست! زمین به شکلی که اکنون هست، مانند زمان خلقت اولیه نیست. افتاده است. به طرز وحشتناکی به هم ریخته است. اما حتی در حالت سقوط خود، بخشی از زیبایی اصلی باقی می ماند. اگر با قلبت گوش کنی و نگاه کنی، هر ستاره چشمک زن می گوید دوستت دارم. هر موجی می گوید دوستت دارم. هر گل، هر درخت، همه چیز، هر موجودی در آفرینش می گوید دوستت دارم. همه اینها را برای تو ساختم. من تو را ساختم و این را ساختم زیرا دوستت دارم. دوستت دارم. به همین دلیل باد می وزد. به همین دلیل می توانم یک نفس دیگر بکشم. به قلبت گوش کن. چه می گوید؟ یهوه می گوید دوستت دارم. او ما را خلق کرد.

دلیل شماره 3: ما می دانیم که یهوه ما را به خاطر رستگاری دوست دارد.

«یهوه آنچنان جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را فرستاد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردهد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد.» (یوحنا 3:16)

کتاب رومیان 5: 8 می گوید، "رومیان 5: 8 می گوید، "یهوه ستایش می کند"، یا نشان می دهد، "عشق او نسبت به ما، از این جهت که، در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما جان داد."

افسیان 2: 4-5 می گوید: "اما یهوه از نظر رحمت غنی است. او ما را با مسیح زنده کرد در حالی که ما مرده بودیم در نتیجه کارهایی اشتباهی که انجام دادیم. او این کار را به خاطر عشق زیادی که به ما دارد انجام داد."

کتاب مکاشفات 1: 5 می گوید: «مسیح... نخستزاده از میان مردگان و فرمانروای پادشاهان زمین. کسی که ما را دوست دارد و با خون خود ما را از گناهانمان رهایی بخشید.»

کتاب مقدس همچنین می گوید: "عشق کثرت گناهان را می پوشاند." (اول پطرس 4:8)

انسان از طریق گناه تهی شده بود، جایگاه خود را نزد یهوه از دست داد، اقتدار خود را از دست داد و سلطه خود را در زمین از دست داد. اما یهوه نمی توانست چنین چیزی داشته باشد زیرا او ما را بیش از حد دوست داشت. او باید ما را پس می گرفت. او باید آن را برای ما درست می کرد. طاقت نیاورد. او نمی توانست بپذیرد که ما از او جدا شدیم، کم شدیم، برهنه شدیم و پایین آمدیم. او باید آن طور که می خواست می داشت - که ما در کلاس او، تمام خانواده او، حکمرانی و سلطنت او هستیم. پس او برنامه ای داشت و در طول قرون متمادی، هر چند غیر ممکن به نظر می رسید، بر این طرح عشقی پافشاری کرد و شیطان با آن می جنگید. او پیغمبرانش را به پیغام آوری مشغول کرد و فرشتگانش را دست به کار می کرد. او دید که زمانی که قرار بود این اتفاق رخ دهد رخ داد و همه چیز در راستای به ثمر نشستن برنامه او قرار گرفت.

در نهایت، عیسی از یک زن متولد شد و یهوه کمال مطلوب را در قلمرو جسمانی ظاهر ساخت. تولد او به دنیا گفت: "دوستت دارم." هر پیام او با عشق و مهربانی بود. در آن زمان، مردم فقط به شنیدن قانون عادت داشتند. آنها گاهی اوقات فقط تفسیر قانونی از قضاوت یهوه را می شنیدند. بیشتر از هر چیز دیگری در مورد آن صحبت شد. اما در اینجا ماهیت واقعی و کامل خداوند زمانی آشکار می شود که کسی در حال زنا گرفتار می شود: "کسی که گناه نکرده است، سنگ اول را بیندازد." (یوحنا 8:7) همه آنها رفتند. عیسی به زن نگاه کرد و از او پرسید: «هیچ مردی تو را محکوم نکرده است؟» او گفت نه. "گفت: من هم ندارم برو و دیگر گناه نکن. هلولیا. عیسی به دنیا نیامد تا دنیا را محکوم کند، بلکه برای اینکه ما نجات پیدا کنیم. آه، رستگاری شیرین! او با گرانیهاترین چیزی که داشت ما را پس گرفت. ما با نقره و طلا رستگار نشدیم. ما با خون گرانیهای حضرت عیسی- خونی که زندگی یهوه را در خود دارد، نجات یافتیم. جان یهوه برای ما ریخت و جاری شد.

سپس شیطان می آید و سعی می کند به ما بگوید ما ارزش زیادی نداریم. باید خیلی نادان باشی تا آن دروغ را باور کنی، درست است؟ اگر ما ارزش زیادی نداریم، چرا یهوه برای ما این همه هزینه می دهد؟ ما در مورد یک میلیون دلار، یا یک میلیارد دلار، یا یک تریلیون دلار صحبت نمی کنیم. تمام طلاهای دنیا نمی توانند یک روح را بخرند. هیچ چیز در جهان

وجود نداشت که بتواند روح را بخرد جز خون گرانبها بره. و آن را پرداخت کرد. او خون داد و بها را پرداخت. چرا؟ او شما را دوست دارد. او شما را می خواهد و حاضر بود برای بازگرداندن شما هر چیزی بپردازد. آیا شما آن را خواندید؟ حاضر بود هر بهایی را بپردازد.

آیا می دانید چه بهای وحشتناکی پرداخت شد؟ عیسی همانقدر قوی است که می بینید و می شنوید، اما در باغ، او غرق در خون شد. گفت: اگر ممکن است، این جام را از من بگردان. (متی ۲۶:۳۹) اما هیچ چیز دیگری نبود که بتواند ما را بخرد. هیچ چیز دیگری نمی توانست ما را بگیرد. پس پدر گفت، من آنها را می خواهم. من باید آنها را داشته باشم. آنها آرزوی اصلی من هستند. انجام دهید.

عیسی می دانست که همه چیز برای ما تمام خواهد شد، اما پدر گفت: این کار را بکن.

عیسی می دانست که این بهای وحشتناکی است، اما پدرش گفت، آن را بپرداز، زیرا من آنها را می خواهم.

این را با صدای بلند بگویید: «او مرا دوست دارد. او من را دوست دارد.»

آیا او بهای گرانی برای ما پرداخت؟ رومیان ۸:۳۱-۳۲ می گوید: «پس در مورد این چیزها چه خواهیم گفت؟ اگر یهوه با ماست، چه کسی با ما مخالف است؟ او از پسر خود نیز مضایقه نکرد، بلکه او را برای همه ما تسلیم کرد. آیا او نیز همه چیز را با خود به ما رایگان نمی دهد؟»

دوست من، اگر قرار بود یهوه چیزی را از تو دریغ کند، آن پسر او بود. اگر قرار بود یهوه روزی بگوید، نه، به هیچ وجه. من آن را به شما نمی دهم، این پسر او بود - پسر یگانه او. آیه ۳۲ می گوید: "اگر یهوه او را دریغ نکرد"، اگر او را باز نداشت، یا درباره دادن او "نه" نگفت، "آیا او نیز همه چیز را با خود به ما رایگان نمی داد؟" اگر او عیسی را به شما داد، به شما خانه خواهد داد. اگر او عیسی را به شما بدهد، یک ماشین به شما خواهد داد. اگر عیسی را به شما بدهد، بدن شما را شفا خواهد داد. وقتی عیسی را به ما داد، همه این چیزها را در او به ما داد. به همین دلیل است که گفت: «همه چیز از آن توست.»

آیا می توانید ببینید که چگونه شیطان کلیسا را فریب داده و دروغ گفته است؟ برخی از مردم می گویند، "من نمی خواهم خداوند را با آن آزار دهم... نمی دانم که آیا این خواست خداوند است یا نه..." آنها ذره ای تصور نمی کنند که او چقدر ما را دوست دارد. او قبلاً به ما نشان داده است که چقدر ما را دوست دارد: او عیسی را به ما داد. درست است. اگر او عیسی را به ما بدهد، "...چطور همراه با او چیزهای دیگر را رایگان به ما خواهد داد؟" هلولویا! او همه چیز را به ما داد!

من از آنچه در یوحنا ۱۷:۲۰ رخ داد، زمانی که عیسی برای اولین بار از مردگان برخیزید، و زنان آنجا بودند و او را دیدند، متاثر شدم. آنها به پاهای او افتادند تا او را بپرستند و او گفت: "به من چنگ نزنید زیرا هنوز نزد پدرم نرفته ام..." او به آنها می گوید: "بروید پیش برادران و خواهرانم و به آنها بگویید." "من نزد پدر خود و پدر شما، نزد خدای خود و خدای شما می روم."

بهای آن پرداخت شده است و او عروج کرده است تا واسطه ما باشد. او خون خود را در قدس الاقداس تقدیم کرد و رستگاری ابدی را به دست آورد. او به آنها می گوید: "بروید به آنها بگویید من نزد پدرم و پدر شما، خدای من و خدای شما می روم." به دلیل کاری که او انجام داده است، می توانم بگویم خداوند همانقدر که پدر عیسی است، پدر من است و او همانقدر که خدای عیسی است، خدای من است - و او به همان اندازه مرا دوست دارد که عیسی را دوست دارد.

برخی می گویند: «فقط نمی دانم می توانم این را باور کنم یا نه. من فقط نمی دانم که چگونه می تواند باشد.» چیزهای زیادی وجود دارد که نمی توانید ببینید، اما می توانید باور کنید. از استدلال و تلاش برای کشف آن دست بردارید و فقط آن را باور کنید.

ممکن است پرسید، "چگونه می توانم بفهمم چه وقت آن را باور می کنم؟" قلب شما تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. ایمان شما شروع به ظهور خواهد کرد و چیزهایی که بزرگ به نظر می رسند چندان بزرگ به نظر نمی رسند. چیزهایی را که زمانی زیر سوال می بردید، دیگر زیر سوال نخواهید رفت. چرا؟ زیرا اگر عیسی را به شما بدهد، هر خیری به شما خواهد داد.

دلیل شماره 4: ما می دانیم که عیسی ما را دوست دارد زیرا او هنوز دارد می بخشد.

اگرچه او خود و آخرین قطره خورش را داد و بهای کامل را هنگام زنده شدن از مردگان پرداخت، این پایان ماجرا نیست. او هنوز دارد می بخشد.

عبرانیان 7:25 می گوید: "به این دلیل است که او می تواند کسانی را که از طریق او به یهوه نزدیک می شوند کاملاً نجات دهد، زیرا او همیشه زنده است تا برای آنها با یهوه صحبت کند."

عیسی درست قبل از آخرین ساعات حضورش بر روی زمین، در آخرین غذای عید فصح با حواریون بود. در یک لحظه از شام آخر، او برخاست، کتتش را درآورد و مانند یک برده حوله ای به دور خود پیچید. او یک لگن آب گرفت و نزد شاگردانش رفت.

حالا این را فقط مذهبی در نظر نگیرید. عیسی - استاد، پسر خدا، رئیس کلیسا، پادشاه پادشاهان، ارباب اربابان - حوله ای پوشید، در مقابل حواریون زانو زد، مقداری آب برداشت و شروع به شستن پاهای آنها کرد. رفت سراغ بعدی و بعدی. او به پیتر رسید و پیتر گفت: «نه! تو پاهای من را نمی شوی.» می توانید بفهمید که چرا پیتر چنین احساسی دارد. ما در مورد عیسی صحبت می کنیم - زانو زدن در مقابل شما و شستن پاهای شما. عیسی گفت: "شما نمی دانید که من اکنون چه می کنم، اما بعداً خواهید فهمید." پیتر گفت: «نه. تو پاهای من را نمی شوی.» عیسی گفت: «اگر من این کار را نکنم، پس تو هیچ نقشی نزد من نداری.» این یکی از دلایلی است که خداوند پیتر را دوست داشت - زیرا او گفت: "قبول است، مرا بشوید. پاهایم را بشور. من را غسل بده." پیتر به سرعت توبه می کرد.

عیسی گفت: «من نیامدم تا به من خدمت کنند. آمدم خدمت کنم.» (یوحنا 10:45) اگر این عشق نیست، دوست من، پس چیست؟ پادشاه پادشاهان همیشه زنده است تا برای من و شما شفاعت کند. روز و شب، او دست راست پدر است. او هوادار، وکیل و نماینده ماست. او مدعی ماست. او برای ما قیام می کند. او از طرف ما صحبت می کند. او رسول و کاهن اعظم اعتراف ما است. ما با ایمان به چیزی اعتراف می کنیم و او از ما حمایت می کند و می گوید: «بله». او واسطه ایمان و اقرار ماست. این هر روز است. او ما را دوست دارد و به ما اهمیت می دهد.

دلیل شماره 5: ما می دانیم که او ما را به خاطر هدایای بزرگی که به ما داده است دوست دارد.

خداوند هدیه دهنده است، بخشنده نهایی. بزرگترین هدیه ای که قبلاً در مورد آن صحبت کردم عیسی مسیح است. او عیسی را به ما داد، اما این پایان کار نبود. او همچنین روح القدس را به ما داد. ما در مورد یک ماشین جدید یا یک خانه صحبت نمی کنیم. او روح القدس را به ما داد. هر بار که به زبان می گوئید، خداوند می گوید دوستت دارم. به همین دلیل روح القدس را به شما دادم. هر بار که مسح را بر خود حس می کنی، او می گوید: دوستت دارم.

عیسی قبل از رفتن به حواریون نگاه کرد و گفت: مردان، همه شما به کمک نیاز دارید. اما من تو را ینیم نمی گذارم. من تو را بی پناه رها نمی کنم. من پدر را دعا می کنم، زیرا شما را دوست دارم، و او روح القدس دیگری به شما خواهد داد. او برای همیشه با شما خواهد ماند. او در تو و همراه تو خواهد بود. او به شما آموزش می دهد، شما را هدایت می کند و چیزهایی را که در آینده خواهید دید به شما نشان می دهد. او به شما کمک می کند تا صبح ها موعظه کنید، دعا کنید، پیشگویی کنید و موهبتان را اصلاح کنید. او به شما کمک می کند تا به محل کار بروید. از آنجا که او شما را دوست دارد، با هر ضربان قلب و هر نفسی که می کشید، به شما کمک خواهد کرد. او در درون شما خواهد بود. کمک دائمی خواهید داشت. آه، او ما را دوست دارد. او روح القدس را به ما داد، اما این تمام ماجرا نیست. با روح القدس، شما باید تمام عطایا و مظاهر روح را در بر بگیرید. (اول قرنیتان 12) چرا او کلمات معرفتی به ما داد؟ او ما را دوست دارد. چرا او کلمات

حکیمانه و تشخیص ارواح را به ما داد؟ چون او ما را دوست دارد. چرا او به ما هدایای شفافبخش عطا کرد؟ او ما را دوست دارد. و بیشتر از این وجود دارد.

وقتی مسیح به آسمان عروج کرد، هدایایی به مردم داد. افسسیان 4: 11-12 می گوید: "او برخی از رسولان، برخی انبیا، برخی مبشران و برخی روحانیون و معلمان را عطا کرد. هدف او این بود که قوم یهوه را برای کار خدمت و ساختن پیکر مسیح تجهیز کند." چرا؟ چون او ما را دوست دارد. او این هدایا را به ما داد، و هر بار که از آنها استفاده می شود، باید آنها را به عنوان یک هدیه بسته بندی شده در نظر بگیرید. ما در مورد جعبه کوچک زیر درخت کریسمس صحبت می کنیم. ما در مورد انسان ها، هدایای معنوی، هدایای کلیسا صحبت می کنیم.

هنگامی که سلیمان در پادشاهی پدرش داود شروع به سلطنت کرد، به هیرام - که همیشه داود را دوست داشت - گفت که برای ساختن خانه یهوه سدر و چیزهای دیگر می خواهد. حیرام رسولی فرستاد و گفت: «سلیمان، می دانی چرا یهوه تو را پادشاه کرد؟ به این دلیل است که او آن مردم را دوست دارد.» (2تواریخ ۲: ۱۱) یهوه به آنها پادشاهی حکیم داد.

او به ما رسولان و انبیا عطا کرد. آنها هدایایی به بدن مسیح هستند و یهوه از طریق این هدایا خود را هویدا می کند، بروز می کند و آشکار می کند. اینها هدیه های به شماس است.

افرادی مانند برادر کنت هاگین فرستاده شدند زیرا یهوه ما را دوست دارد. گفت: خیلی دوستشان دارم، یک هدیه بزرگ به آنها می دهم. چه چیزی می توانم به آنها بدهم؟ من به آنها چند حواری خواهم داد - این یک هدیه بزرگ است - و انبیا، مبشران، کشیشان و معلمان. من می خواهم به آنها چند هدیه واقعی بدهم. یهوه می داند چگونه هدیه بدهد.

او به ما هدایایی می دهد تا به ما کمک کند، به ما بیاموزد، ما را راهنمایی کند، ما را در دعا راهنمایی کند، برای ما پیغام بری کند، ما را بسازد، ما را تربیت کند، ما را اصلاح کند و به ما تعلیم دهد. چرا؟ او ما را دوست دارد. هر بار که می بینیم کسی پشت منبر می آید، باید بشنویم که یهوه می گوید دوستت دارم. به همین دلیل آنها را به اینجا فرستادم. به همین دلیل آنها را به تو دادم - چون تو را دوست دارم.

این را با صدای بلند بگویید: «او مرا دوست دارد. او مرا دوست دارد.»

دلیل شماره 6: ما می دانیم که او ما را به خاطر حمایت و عنایت مستمر خود دوست دارد.

بدون حمایت او، آیا می دانید تا کنون چند بار کشته شده بودید؟ برای شروع، به زمانی فکر کنید که دو ساله بودید. فرشته او چند بار به جای آن شما را به این سمت هدایت کرد؟ تقریباً از پرتگاه افتاده بودی و او تو را عقب کشید. وقتی کوچک هستی خیلی چیزها اتفاق می افتد، چیزهایی که حتی یادت نیاید. چند بار از شما محافظت کرده و از شما در امان بوده است؟ چیزهای زیادی وجود دارد که شما حتی در مورد آنها نمی دانید زیرا آنها اتفاق نیفتاده اند. نمی دانستید هر روز از چه چیزی در امان می مانید. شیطان آنجاست که می خواهد ما را بکشد، اما اگر با یهوه قدم برداریم، او نمی تواند ما را لمس کند. خداوند به ما کمک می کند تا بر هر نقشه و هر کاری که شیطان انجام می دهد غلبه کنیم. او از ما محافظت می کند، ما را بالا می کشد، از ما محافظت می کند و ما را راهنمایی می کند.

و روزی - آیا او نیازهای شما را برآورده کرده است؟ با هر غذایی که می خورید، او می گوید، دوستت دارم. با هر لباسی که دارید، یهوه می گوید دوستت دارم. آیا جایی برای دراز کشیدن و خوابیدن دارید؟ یهوه می گوید دوستت دارم. من از شما مراقبت می کنم. من به مراقبت از شما ادامه خواهم داد. یهوه ما را دوست دارد.

دلیل شماره 7: ما می دانیم که یهوه ما را به خاطر معاشرت هایمان دوست دارد - خانواده و دوستانمان.

در کتاب اعمال، به «شرکت خودتان» اشاره دارد. (4:23) اینها پیوندهای الهی هستند. ممکن است فکر کنید که مردم شما را دوست دارند و فقط به خاطر جذابیت شما یا به دلیل خوش قیافه بودن شما با شما در تماس می شوند، اما من باید غرور شما را جریحه دار کنم. یک بار در سفر تثنیه به بنی اسرائیل گفته شد: «فکر نکنید یهوه شما را به خاطر شما انتخاب کرده است. دلیلش این نبود که شما قدرتمندترین بودید. تو کمترین بودید. دلیلش این نبود که شما خیلی بزرگ بودید. تو سرکش بودید. به

خاطر این بود که به پدران شما وعده داده بود.» (7:7-8) او شما را دوست دارد و شما را انتخاب کرده است. او ما را انتخاب کرد.

آیا دوستان خوب و خانواده خوبی دارید؟ ممکن است احساس کنید که نوع دیگری را نیز دارید، اما آنها می توانند تغییر کنند. آیا شما افرادی را دارید که شما را دوست دارند و اهمیت می دهند که زنده باشید یا بمیرید؟ این یک هدیه از طرف خداست.

آیا دوستانی دارید که همیشه در کنار شما باشند؟ می توانید ساعت سه صبح به آنها زنگ بزنید و آنها ببینند شما را بیاورند. آنها دوستانی هستند که همیشه به شما کمک خواهند کرد. این یک هدیه است. دلیلش این نیست که شما خیلی صاف و نرم و عالی هستید. این به این دلیل است که یهوه شما را دوست دارد و از شما می خواهد که یک دوست داشته باشید - کسی که با شما باشد تا تنها نباشید. عده ای هستند که یهوه مجبور شد به صورت ماوراءطبیعی با شما روبرو کند. آنها حتی به شما نگاه نمی کردند، و فکر می کردند، من زیاد به آنها اهمیت نمی دهم، اما بعد او به سمت آنها حرکت کرد، و یکباره، به دلایلی آنها شما را دوست دارند. آنها نمی دانند چرا شما را دوست دارند، اما دوست دارند. به این دلیل است که یهوه شما را دوست دارد که به شما دوستان داده است.

او افرادی را به شما داد که واقعاً برای شما دعا کنند. افراد زیادی در دنیا هستند که نیاز به دعا دارند، بنابراین وقتی شخصی به جای خودش یا شخص دیگری برای شما دعا می کند، این لطف است؛ این یک هدیه است. او به شما دوستانی می دهد که با شما وقت می گذارند، برای شما پول خرج می کنند، برایتان غذا می خرند یا برایتان لباس می خرند. این خداست. طبیعت انسان خودخواه است، و حتی بیشتر مسیحیان بسیار نفسانی هستند. اما وقتی یهوه مردم را به حرکت در می آورد و دور تو جمع می شوند، تو را در آغوش می گیرند و می گویند: «وای، ما تو را دوست داریم. ما دوستان تو هستیم،» یهوه تو را دوست دارد. او برای شما حرکت می کند، به شما کمک می کند، و شما را از طریق آنها تشویق می کند.

آیا تا به حال برای شما پیش آمده است که بهترین های دنیا را تجربه نکرده باشید و کسی ظاهر شود و حرف درست را در زمان مناسب بگوید؟

کشیشان همیشه نامه های خوبی دریافت نمی کنند. گاهی اوقات نامه ها نامناسب هستند. مردم برای من نامه نوشتند و گفتند که باید به دنیا لطفی بکنم و از کلیسا خارج شوم چراکه دارم به مردم صدمه می زنم. گفته اند که من به مردم صدمه می زنم و اگر آنها را دوست داشتم باید می رفتم.

گاهی اوقات شیطان به مردم الهام می کند تا بدانند چه چیزی را بگویند - حرف اشتباه در زمان نامناسب. اگر به آنها گوش دهید، احساس ناامیدی خواهید کرد.

اوه، اما یهوه آنقدر شما را دوست دارد که چهار نفر از دوستانتان را در خانه شما حاضر می کنند و می گویند: «تو بهترینی. تو بی نظیر هستی. ما تو رو دوست داریم. تو مسح شده ای. تو مرد یهوه هستی. تو کلمه لحظه را داری.» او تو را پشتیبانی می کند، تقویت می کند، می سازد و به تو کمک می کند. چرا او همه این کارها را انجام خواهد داد؟ چون او تو را دوست دارد.

دلیل شماره 8: ما می دانیم که خداوند ما را به خاطر تمام دعاهایی که برای ما اجابت کرده است و تمام اوقاتی که برای ما فراهم کرده است دوست دارد.

چگونه می توانید به عشق او شک کنید و آن را زیر سوال ببرید؟ تنها کاری که باید انجام دهید این است که کمی فکر کنید. چند بار دعا کرده اید، گاهی اوقات نیمه ناباورانه، اما این بهترین دعایی بود که در آن زمان می دانستید؟ تو چرخیدی، نتوانستی یک متن مقدس را با متن دیگر کنار هم بگذاری و فقط رقت انگیز عمل کردی. اما شما بهترین کاری را که در آن زمان می دانستید انجام می دادید، و بنابراین یهوه گفت، تقریباً درست است. بیا برویم. مردم در قانون گرایی نشخوار می کنند. آن ها می ترسند که اگر چهل و سه بار قبل از ناهار اعتراف نکنند، و اگر دقیقاً همانطور که در نسخه شاه جیمز آمده است نگویند، خلأ قانونی وجود خواهد داشت، و آن را از دست خواهند داد. نه! یهوه قلب تو را می بیند. ایمان از دل است. این

بدان معناست که شما می‌توانید همه آن را اشتباه بخوانید، همه چیز را به هم بزنید و آن را احماقانه بگویید، و یهوه می‌گوید: "من می‌دانم منظور شما چیست."

مواقعی بوده که به چیزی اعتقاد داشتیم و حرف اشتباهی می‌زدیم و به نوعی ادعای اشتباه می‌کردیم. اما بعد اتفاق درست افتاد، و فهمیدیم، او، آری، خدایا - منظورم همین بود. می‌دانستی منظورم چیست. می‌دانستی اشتباه گفتم. متأسفم. و او گفت: بله، من می‌دانستم منظور شما چیست. شکوه! به این دلیل است که او من را دوست دارد.

فقط یهوه را ستایش کنید و یهوه را شکر کنید زیرا او شما را دوست دارد. ما در مورد شخص دیگری صحبت نمی‌کنیم: این شما هستید - او شما را دوست دارد.

گفت: آری، من تو را با عشقی همیشگی دوست داشته‌ام. به همین دلیل است که من شما را با مهربانی ترسیم کردم.» (ارمیا 31:3) این نیکویی خداست که ما را به سوی توبه سوق می‌دهد. (رومیان 2:4) این لطف خداست.

شیطان سعی می‌کند روی ما کار کند و ما را وادار کند که تسلیم خودخواهی شویم، تا زمانی که سرگشته شویم و فکر کنیم چیزی برای شکرگزاری وجود ندارد. مردم می‌توانند به جایی برسند که فکر کنند، یهوه واقعاً به من اهمیت نمی‌دهد. این یکی از بدترین دروغ‌هایی است که می‌توانید بشنوید یا باور کنید. من آن را باور نمی‌کنم. یک لحظه از لذت بردن از آن امتناع می‌کنم. خداوند عشق خود را به من ثابت کرده است. هرگز نباید آن را زیر سوال ببرم یا برای لحظه‌ای در آن شک کنم. زیر سوال بردن عشق او شک کردن به اوست.

همانطور که عشق او در شما قوی‌تر می‌شود، ترس را از بین می‌برد و متوجه می‌شوید که موفق خواهید شد.

این را با صدای بلند بگو:

قرار نیست بمیرم؛ قرار است زندگی کنم.  
من قصد ندارم از نظر مالی شکست بخورم. من قرار است آن را حل کنم.  
خانواده من قرار نیست نابود شود. ما می‌خواهیم آن را بسازیم.  
بچه‌های من موفق خواهند شد. ازدواج من موفق خواهد بود.  
جایگاه خدمت من موفق خواهد شد. کلیسای من موفق خواهد شد.  
من موفق می‌شوم چون یهوه مرا دوست دارد.  
او مرا دوست دارد و من می‌توانم به آن تکیه کنم. هلولویا!

این دعا را بخوان:

پدر، من از شما برای خوبی‌هایت سپاسگزارم. ممنون از محبت شما. من دعا می‌کنم که تو همچنان این چیزها را در قلب من آشکار کنی، آنها را به یاد من بیاوری، و به من کمک کنی تا به وضوح و با قدرت ببینم که چقدر واقعاً برای من اهمیت قائل هستی. به من کمک کن تا ببینم چقدر برای من انجام داده‌ای و چقدر برای من انجام می‌دهی، و همه آنچه را که قصد انجام آن را داری برای من انجام دهی. به من کمک کن تا آن را برای همیشه در اولویت خود نگه دارم و در تقدس زندگی کنم. پروردگارا، از تو سپاسگزارم که مرا دوست داری. دوستت دارم. بابت تمام کارهایی که برای من انجام دادی ممنونم. ممنونم که اینقدر مرا دوست داری. دوستت دارم.





# یهوه مرا دوست دارد

خدا تو را دوست دارد. او واقعاً، واقعاً شما را دوست دارد - درست همانطور که او عیسی را دوست دارد. و وقتی می دانید که او شما را دوست دارد، بسیاری از سوالات، ناامیدی ها و تزلزل های شما را از بین می برد.

ایمان شما ظاهر می شود، و می دانید که به آن خواهید رسید - نه به این دلیل که شما خارق العاده هستید، بلکه به این دلیل که او شما را دوست دارد!

کیت مور، بنیانگذار و رئیس موسسه مذهبی "زندگی مور" و کلیسای "زندگی پر از ایمان" در برانسون، میسوری و ساراسوتا، فلوریدا است.



این کتاب توسط مشارکت کنندگان در موسسه مذهبی "زندگی مور" و کلیسای "زندگی پر از ایمان" به صورت رایگان برای شما ارائه شده است.

پیام های تعلیمی کیت مور از طریق فناوری ترجمه شده است. کارکنان ما به این زبان صحبت نمی کنند و نمی توانند صحت این ترجمه را تأیید کنند.

NO CHARGE - SEED



*Moore Life Ministries*  
6009 Business Blvd.  
Sarasota, FL 34240  
(941) 702-7390 | moorelife.org  
BK25FA



ISBN: 978-1-940403-50-2